

## بررسی سندی حدیث «مکارم الأخلاق»

حسین عارفی‌نیا (دانشجوی دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب)

arefi1690071@mailfa.com

مسلم محمدی (دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران)

mo.mohammadi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹

### چکیده

مقاله حاضر پژوهشی است پیرامون تواتر معنوی یا لااقل مستفیض بودن حدیث «مکارم الأخلاق» که با عبارت‌های گوناگون ولی با مضمون و محتوای واحد از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است. علت بررسی حدیث مذکور، وجود برخی شبهات در رابطه با سند این روایت است. برخی در سند حدیث «مکارم الأخلاق» مناقشه کرده، بیان داشته‌اند که این حدیث در شیعه، اصل معتبری نداشته و خاصه هم از عامه نقل کرده‌اند؛ از طرفی اهل سنت هم از ابوهریره نقل کرده‌اند. عده‌ای هم در راستای تعارض دلالت محتوایی حدیث، با سایر وظایف پیامبران، در سند حدیث تشکیک کرده، و ضعف دلالت را حاکی از ضعف سند حدیث گرفته‌اند. این پژوهش در دو بخش، به بررسی سندی مصادر شیعه و سنتی پرداخته است. هدف از این بحث، در کنار قرار دادن روایات مختلف عامه و خاصه، جهت اثبات تواتر معنوی یا لااقل استفاضه حدیث مکارم الأخلاق، از طریق روایات «غیر ابوهریره» است. کلیدواژه‌ها: تواتر معنوی، سند حدیث، مکارم الأخلاق، خاصه، عامه.

### ۱ - مقدمه

بنابر آیه «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ»<sup>۱</sup> (قلم: ۴) پیامبر ﷺ صاحبِ نمادِ «بالاترین اخلاق» در همه

۱. قطعاً قطعاً (هر آینه) تو مافوق خلق عظیم هستی.

عالمیان به شمار می‌رود. از طرفی آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۱</sup> (احزاب: ۲۱) ما را به تمسک در سیره قولی و عملی پیامبر ﷺ در ابعاد مختلف زندگی بشری دعوت می‌کند، در این باره حدیث «مکارم الأخلاق» یکی از زیباترین معرّف‌ها برای روش و منش نبوی در تأثیر و جذب انسان‌ها به اسلام بوده است که جای توصیف و تحلیل فراوان دارد.

با توجّه به معنای حصر حقیقی و اضافی از حدیث «مکارم الأخلاق» و عدم رفع تعارض با سایر اهداف پیامبر (از جمله قدرت و سیاست)، برخی از افراد در راستای تشکیک و شبهه‌افکنی، در پی ضعف و اعتبار سند روایت هستند و مدّعی شده‌اند که «سند حدیث در شیعه، اصل معتبری ندارد» و بر این باورند که برخی از علما این حدیث را از اهل سنت و از ابوهریره - که به جعل حدیث مشهور بوده - نقل کرده‌اند. ابتدا مرحوم طبرسی این حدیث را در مجمع البیان مرسلاً نقل کرده است و دیگر علمای شیعه نیز از وی اخذ کرده‌اند و احتمالاً نقل مرحوم طبرسی نیز مأخوذ از اهل سنت بوده است (هادی، ۱۳۸۵: ۲۳۲؛ هدایتی، ۱۳۹۵: ۲۵۱؛ فنی اصل، ۱۳۹۷: صص ۱۲۶ - ۱۲۷؛ پناهیان، ۱۳۹۵).

یافته‌های تحقیقی نشان می‌دهد بیش از دویست روایت موجود است که اهداف بعثت را دنبال می‌کنند. کثرت روایات با سندهای مختلف از شیعه و سنی با تعبیر نزدیک به هم (ولی با مضمون واحد)، تواتر معنوی و صحت و غیر قابل خدشه‌دار بودن حدیث را نشان می‌دهد. به علاوه تمسک اکثر محدّثان، مفسران، متکلمان و علمای اخلاق و فقه به این حدیث، اعتبار حدیث را به بالاترین حد ممکن رسانده است.

این پژوهش وظیفه دارد با تبیین سندی روایات مختلف، تواتر معنوی یا مستفیض بودن حدیث را اثبات کند و به شبهات راجع به سند حدیث پاسخ دهد.

در آثار متعدد اسلامی، حدیث مکارم الأخلاق به شیوه‌های متفاوتی به ثبت رسیده است به نحوی که در بسیاری از آثار اهل سنت<sup>۲</sup> و در برخی از آثار شیعه،<sup>۳</sup> این حدیث به همراه کلمه

۱. قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست.

۲. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»: ابی شیبّه، ۲۰۰۸: ۴۴۰/۷؛ القرطبی، ۱۳۸۷: ۲۵۴/۱۶؛ ۲۰۰۰: ۵۷۶/۸؛ ۲۰۱۰: ۲۸۰/۸؛ ۱۳۶۴: ۳۴۵/۷؛ القضاء، ۱۴۰۵: ۱۹۲/۲؛ هندی البرهان، ۱۴۰۹: ۱۶/۳؛ انس، بی‌تا: ۴۷/۲ و....

۳. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»: کراچکی، ۱۴۲۷: ۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۰/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۰: ۸؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳۹۲/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۲/۶۸؛ ۲۱۰/۱۶؛ محدّث نوری، ۱۴۰۸: ۱۸۷/۱۱؛ پاننده، ۱۳۸۲: ۳۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۷۹/۲۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۷۷/۱۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۳/۵؛ قطب، ۱۴۲۵: ۳۶۵۷/۶؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۳۵۹/۲؛ حکیم، ۱۳۷۴: ۲۷.

«إِنَّمَا»، و «أَنَّى» بیان شده؛ ولی در برخی دیگر از آثار خاصه و عامه، این حدیث بدون کلمه «إِنَّمَا»<sup>۱</sup> یا بدون کلمه اتمام<sup>۲</sup> نقل شده است. کثرت احادیث (گرچه با اختلاف در نقل‌ها) موجب شده است که فریقین بر قبول اصل و محتوای حدیث، وفاق داشته باشند.

در این موضوع، مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی پیرامون تتمیم مکارم اخلاق و روایات همانند» کار شده؛ ولی تواتر معنوی حدیث را از مصادر خاصه و عامه از غیر ابوهریره، به اثبات نرسانیده است و همچنین طُرُق اسناد روایات مختلف را بررسی نکرده است.

ضرورت اصلی تحقیق حاضر، پاسخ‌دهی به مناقشه روشن‌فکران و پژوهشگران مبنی بر ضعف سندی حدیث مکارم الأخلاق است؛ چرا که هر گونه شبهه‌افکنی در سند و اعتبار حدیث مکارم الأخلاق، باعث تغییر و تحوّل ماهیتی در برداشت از زندگی پیامبر خدا ﷺ و در نتیجه، موجب تغییر نوع نگاه، به «اسلام اخلاقی» خواهد شد. در این پژوهش به دنبال دو رویکرد جدید: بررسی مصادر شیعه و نیز بررسی مصادر اهل سنت، برای اثبات تواتر معنوی در سند حدیث هستیم.

## ۲ - تواتر معنوی

برای روشن شدن برخی اصطلاحات روایی، ناگزیر به شرح عبارات زیر هستیم:

متواتر: در اصطلاح خبر، جماعتی که به حدّ کثرت برسد به طوری که اتفاق و تواطی روایان بر کذب حدیث عادتاً محال باشد یا امکان توافق آن‌ها را بر کذب از بین برده باشد (مرعی، ۱۴۱۷: ۲۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱: ۸۹/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۶۲). شهید ثانی در تعریف خبر متواتر می‌گوید: «من أنه ما بلغت رواه في الكثرة مبلغاً أحالت العادة تواطؤهم على الكذب»

روایان خبر یاد شده، چنان فراوان‌اند که اتفاق روایان بر کذب حدیث، عادتاً محال است (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۶۲). استاد سبحانی تبریزی برای تعریف فوق «اطمینان و یقین» را اضافه

۱. «بعثت لأتّم مکارم الأخلاق»: طبرانی، ۱۴۳۳: ۱۵۳/۵؛ هیثمی، ۱۴۱۹: ۱۱۱/۳ - ۱۱۲؛ هیثمی، بی‌تا: ۳۴۳/۸؛ بغوی، ۲۰۰۵: ۴۱۱/۷ - ۴۱۲؛ القرطبی، ۱۴۰۵: ۳۴۵/۷؛ انس، بی‌تا: ۴۷/۲؛ رازی، ۱۴۰۸: ۳۴۷/۱۹؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۴۱۶/۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۳۵/۴؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۷/۱؛ ابن جزّی، ۱۴۱۶: ۳۹۸/۲؛ آملی، ۱۴۲۲: ۱۹۶/۱؛ کاشفی، ۱۳۷۹: ص ۱۷۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۲۸/۲؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵: ۳۱۹/۳؛ حقی برسوی، بی‌تا: ۹۰/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۶۷ - ۳۷۳/۶۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۹/۳؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۸۸/۱۰؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۲۶۱/۲؛ آملی، ۱۴۲۲: ۱۹۶/۱؛ کمره‌ای، ۱۳۷۷: ۱۳/۱؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶: ۴۰۲/۶.

۲. «بعثت بمکارم الأخلاق و محاسنها»: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۵/۶۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۸: ۲۱؛ طبرسی، ۱۳۴۴: ۲۴۳؛ آملی، ۱۴۲۲: ۱۹۶/۱.

می‌کنند؛ چرا که ممکن است عده‌ای کثیر به خاطر هوا و اغراض متفاوت، دست به چنین کاری بزنند (سبحانی، ۱۴۲۶: ۲۵ - ۲۶).

خبر متواتر بر دو دسته لفظی و معنوی<sup>۱</sup> تقسیم می‌شود:

**التواتر المعنوی:** خبری که در معنی (و نه لفظ) تواتر و کثرت داشته باشد مثل تواتر اخبار در شجاعت امام علی (ع). بر خلاف متواتر لفظی که همه ناقلان باید آن را یکسان و با الفاظ واحد ذکر کنند. در نتیجه، خبری که همه ناقلان، مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل می‌کنند و تطابق در معنی به دلالت تضمینی و التزامی است (مؤدب، ۱۳۸۲: ۳۶؛ مرعی، ۱۴۱۷: ۲۵).

**مستفیض:** روایتی که از خبر واحد فراتر باشد و به حد تواتر نرسد، مستفیض نامیده می‌شود (ربانی، ۱۳۸۰: ۸۷). شیخ بهایی و مامقانی در تعریف مستفیض می‌فرمایند: راویان در سند هر خبری، اگر به مرز تواتر نرسیده باشد، ولی در هر طبقه بیش از سه نفر باشند، مستفیض گویند (بهایی، ۱۳۹۶: ۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱: ۱/۱۲۸). در نتیجه خبر متواتر به خبری گفته می‌شود که بنفسه مفید علم باشد و اگر خبری به این حد نرسد، خبر واحد است و اگر عدد روات خبر واحد از سه نفر گذشت، خبر مستفیض گفته می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۷: ۳۷).

**مسند:** در اصطلاح، حدیثی که سند آن در همه طبقات متصل به همدیگر است تا به معصوم منتهی شود؛ ولی اهل سنت، مختص اسناد به پیامبر می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۹۶؛ مؤدب، ۱۳۸۲: ۳۶).

**موثق:** در اصطلاح، خبری که سند آن تا به معصوم متصل است و تمام راویان آن در کتب رجالی توثیق شده باشند گرچه امامی نباشند فقط باید مورد اعتماد و اطمینان باشند (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۸۴).

### ۳ - بررسی مصادر شیعه

حدیث «مکارم الأخلاق» با عبارت‌های متفاوتی به ثبت رسیده است به نحوی که در برخی از آثار شیعه، این روایت به همراه کلمه «إِنَّمَا» بیان شده و در برخی دیگر بدون کلمه «إِنَّمَا» و یا بدون کلمه «إِنَّمَا و اتمام» نقل شده است؛ لذا تک تک عبارت‌های متفاوت را از منابع اولیه می‌آوریم و سپس نقد و بررسی می‌کنیم.

۱. مؤدب، ۱۳۸۲: ۳۶.

### ۳- ۱- حدیث اول

از میان علمای امامیه، قدیمی‌ترین نسخه‌ای که این روایت را نقل کرده، کراجکی<sup>۱</sup> (م ۴۴۹ق) در کتاب الرسالة العلویة فی فضل امیر المؤمنین (علیه السلام) علی سائر البریة سوی رسول الله (صلی الله علیه و آله) باب «مکارم الأخلاق»، مرسلاً از پیامبر نقل کرده است: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (کراجکی، ۱۴۲۷: ۱۱).

دومین منبع، کتاب مجمع البیان فی تفسیر قرآن کریم نگاشته ابوعلی، فضل بن الحسن بن فضل طبرسی، معروف به «امین الاسلام» (م ۵۴۸ق) است. ایشان در ذیل آیه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم: ۴) مرسلاً از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند:

و قيل سمي خلقه عظيماً لإجماع مكارم الأخلاق فيه ويعضده ما روى عنه قال: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۰/۱۰).

گفته شده: خُلق پیامبر «عظیم» نامیده شده به سبب اجتماع صفات مکارم اخلاق در آن حضرت و این معنی را تایید می‌کند آن چه از حضرت روایت شده است که فرمود: «من برای اتمام مکارم اخلاقی مبعوث شدم».

سومین شخص، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی<sup>۲</sup> صاحب کتاب مکارم الأخلاق است. ایشان در مقدمه کتاب (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸) حدیث معروف نبوی را بدون ذکر سند و مصدري بیان می‌کند.

محدثان و مفسران دیگر، این روایت را از مرحوم طبرسی یا بدون ارجاع به سندی ذکر می‌کنند: حویزی در تفسیر نورالثقلین این روایت را با لفظ «روی» از مجمع البیان نقل کرده است (حویزی، ۱۴۱۵: ۳۹۲/۵). علامه مجلسی در بحار الأنوار (۱۴۰۳: ۳۸۲/۶۸ و ۲۱۰/۱۶)، محدث نوری در مستدرک الوسائل (۱۴۰۸: ۱۸۷/۱۱)، مکارم شیرازی در تفسیر نمونه (۱۳۷۱: ۳۷۹/۲۴)، سیّد قطب در فی ظلال القرآن (۱۴۲۵: ۳۶۵۷/۶) و علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (۱۳۹۰: ۳۷۷/۱۹) و دیگر منابع که از حد شماره خارج است، این روایت را آورده‌اند.

۱. وی از شخصیت‌های بزرگی مانند شیخ مفید و سیّد مرتضی بهره‌ها برده بود و بیش از چهل تألیف دارد (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۲۳۸/۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۱۹). آیه الله خویی درباره ایشان می‌فرماید: شیخ ابوالفتح کراجکی، دانشمندی عالم، فاضل، متکلم، فقیه، محدثی مورد اطمینان و جلیل القدر و از بزرگان شیعه محسوب می‌شود. شهید ثانی او را با لقب «علامه در دروس» تعبیر می‌کند (خویی، ۱۴۱۳: ۳۵۸/۱۷؛ محدث نوری، ۱۴۲۹: ۱۸۰/۱۹).

۲. فرزند شیخ طبرسی معروف به «امین الاسلام» است.

اشکال: برخی‌ها قائل‌اند که چون شیخ طبرسی برای حدیث مکارم الأخلاق سند و مصدری ذکر نکرده، پس از کتب اهل سنت نقل کرده است و هیچ اعتباری ندارد! (پناهیان، ۱۳۹۵).  
جواب: این‌که شیخ طبرسی و فرزند ایشان یا کراجکی سند را ذکر نکرده‌اند، چند احتمال وجود دارد:

احتمال اول: این روایت در بین قدما و کتب شیعی قابل اعتنا و تلقی به قبول شده است (هرچند نقل از اهل سنت باشد) لذا محدثان، مفسران و علما چنان با کثرت از این حدیث در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند که نشان از تواتر معنوی و اعتماد آن‌ها به این روایت بوده است.  
احتمال دوم: حدیث «إِنَّمَا بَعَثَ لِاتِّمَمِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» چون به واسطه رجال امامی و از طریق شیعه به دست ما نرسیده است (یعنی بعضی روایات امامی نبوده‌اند) و مؤلفان بنایشان بر نقل حدیث از طرق روایت سنی نبوده است، ترجیح می‌دادند حدیث را مرسل نقل کنند (تا با متن و تواتر و سایر قرائن تصحیح شود)؛ ولی در کتبشان طریق سنی نیاورند.  
احتمال سوم: نزد کراجکی و شیخ طبرسی‌ها کتاب و دلیل معتبر دست بوده و ما از آن بی‌اطلاع هستیم.

احتمال چهارم: از طرفی چون این حدیث، متواتراً و مسنداً در کتب معتبر اهل سنت از جابر بن عبد الله و زید بن اسلم و دیگران ذکر شده به همین خاطر علما، به نقل از آن‌ها اعتماد کرده‌اند.  
بنابراین روایت تتمیم در کنار دسته دیگر از روایات همانند - که بدون لفظ «إِنَّمَا» است - در ردیف اخبار «متواتر» قرار می‌گیرد و جملگی دلالت دارند که بین بعثت پیامبر و مکارم اخلاق، رابطه وجود دارد.

### ۳ - ۲ - حدیث دوم

این حدیث را مرحوم شیخ طوسی در امالی از جماعه نقل می‌کند:

وَعَنْهُ (شیخ طوسی)، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحِيمِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۶).

این حدیث با عباراتی دیگر به فراوانی مسنداً در مصادر امامیه نقل شده است که بعضی از

آن‌ها معتبرند یا در مجموع اطمینان به صدورشان حاصل می‌شود. علامه مجلسی در بحار الأنوار همین تعبیر را از امالی شیخ طوسی نقل می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۷/۱۶). نوّه مرحوم طبرسی (ابوالفضل علی بن الحسن بن فضل) در مشکاة الأنوار از امام زین العابدین (ع) همین روایت بدون مصدر نقل می‌کند:

عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا (طبرسی، ۱۳۴۴: ۲۴۳).

بررسی سندی این روایت گرچه مرسل است، ولی با کثرت احادیث دیگر و صحت اسناد دیگر راویان این حدیث، از اعتبار خاصی برخوردار می‌شود.

بررسی ادبی روایت: اگر «باء» جاره، در متعلق فعل «بعثت بمکارم...» سببیت باشد هم معنای «لام» جاره، در نقل مشهور «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» خواهد بود با این تفاوت که فعل تتمیم در آن ذکر نشده است که نشان‌دهنده علّت و هدف غایی است (ابن دماغینی، بی‌تا: ۳۸۱/۱؛ ابن هشام، ۱۳۸۷: ۱۸/۲). در این صورت نیز معنی روایت آن است که مکارم الأخلاق علّت و سبب بعثت است که فی الجمله با روایت معروف، مطابق خواهد بود. درست است که تتمیم مکارم، سبب و علّت بعثت است (بنابر نقل معروف)، ولی در نقل فوق «بمکارم الأخلاق» که تتمیم آن مورد نظر نبوده است نیز سبب و علّت بعثت است.

اگر «باء» معیت باشد به معنی مصاحبت و همراهی است (ابن دماغینی، بی‌تا، ۳۸۲/۱). در این صورت، معنای این دسته از روایات با روایات تتمیم متفاوت می‌گردد و این گونه معنا می‌شود «من (پیامبر) مبعوث شدم همراه مکارم اخلاقی و محاسن اخلاقی». در این معنا رسول اکرم (ص) خبر می‌دهد من در حالی به پیامبری مبعوث شدم که مکارم اخلاق را دارا بودم و خداوند از این جهت، مرا برای رسالت برگزید که به مکارم اخلاق متّصف بودم.

با توجّه به معنای باء سببیت – که مطابق تبلیغ و تهذیب پیامبر برای امت بوده – می‌توان فهمید که معنای باء معیت، دور از ذهن است؛ چرا که خود پیامبر (ص) به منتهی درجه مکارم اخلاقی متّصف بود و مناقشه بر سر این است که پیامبر (ص) در مقابل امت چه وظایفی داشته است که یکی از مهم‌ترین وظایف پیامبر (ص) نشر مکرمت‌های اخلاقی میان امت است، نه این که خودش چه مقاماتی داشته است! رسول اکرم (ص) برای مردم مبعوث شدند و نه خودش؛ لذا اگر باء سببیت گرفته شود، مطابق هدف رسالتش – که هدایت مردم است – خواهد بود.

البته نقل‌هایی که به جای «إِنَّمَا»، لفظ «لام» و «باء» در آنها به کار رفته است، همان کار حصرِ «إِنَّمَا» را انجام می‌دهند.<sup>۱</sup>

بررسی سندی روایت فوق: در طُرُق این حدیث اگر چه جماعت هست، اما تحقیق معین می‌کند جماعتی که شیخ طوسی در الفهرست به واسطه آن‌ها از ابی‌مفضل نقل می‌کند، همگی از مشایخ معروف و مشهور هستند (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

شیخ طوسی در الفهرست مراد از «جماعه» را «منهم: الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيد الله و أحمد بن عبدون» می‌داند (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۲۶).

شیخ مفید، حسین بن عبيد الله غضائری و احمد بن عبدون بیان می‌کنند. هر نفر که معنون به این عنوان می‌باشند، ثقة‌اند؛ و با وجود وثاقت آن‌ها ضرری به حدیث نمی‌رساند (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

با این حال، شیخ طوسی در ابتدای مجلس هفدهم امالی، «جماعه» را معرفی نموده است و چند نفر را به افراد بیان شده در کتاب الفهرست، اضافه می‌کند که همگی از مشایخ و ثقات هستند:

المجلس السابع عشر: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْهُمْ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَنٍ، وَالْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَشْنَاسٍ وَأَبُو طَالِبٍ بْنُ غُرُورٍ وَأَبُو الْحَسَنِ الصَّفَّارُ جَمِيعًا عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ الشَّيْبَانِيِّ... (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۳).

مراد از این جماعت؛ ابوعبدالله غضائری، احمد ابن عبدون، ابوطالب ابن عرفه، ابوالحسن صفار و حسن ابن اسماعیل ابن اشناس هستند.

بنابراین شیخ طوسی، حدیث مکارم‌الأخلاق را به پنج طریق معتبر - که همگی از ثقات هستند - از ابوالفضل نقل می‌کند. در این جا به بررسی دو نفر از این مشایخ پرداخته خواهد شد تا اعتبار نقل شیخ مشخص شود.

### ۳ - ۲ - ۱ - ابن غضائری

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و علامه حلی (م ۷۲۶ ق) در مورد ابن عبيد الله غضائری (م ۴۱۱ ق) می‌فرماید: همه اعتراف دارند که حسین ابن عبيد الله غضائری دانشمند بزرگ رجالی و شیخ الطائفه بوده است:

۱. زیرا لام تعلیل دلالت بر علیت ما بعد برای انجام فعل ما قبل دارد. در باء سببیت هم، ما بعد، سبب برای وقوع ما قبل است (ابن هشام، ۱۳۸۷: ۱۸/۲ و ۱۴۹ و ۲۰۷/۳؛ ابن شجرى، ۱۴۳۵: ۱۴۹/۲؛ ابن دمايينى، بی‌تا: ۳۸۱/۱).

يَكُنِّي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، كَثِيرُ السَّمَاعِ، عَارِفٌ بِالرِّجَالِ، وَلَهُ تَصَانِيفٌ ذَكَرْنَاهَا فِي كِتَابِنَا الْكَبِيرِ. شَيْخُ الطَّائِفَةِ: سَمِعَ الشَّيْخَ الطُّوسِيَّ مِنْهُ وَأَجَازَ لَهُ جَمِيعَ رَوَايَاتِهِ (طوسي، ۱۳۷۳: ۴۲۵؛ حلی، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

شیخ طوسی قائل است که حسین ابن عبیدالله غضائری (کنیه اش ابا عبدالله) اساتید بسیاری را درک کرده است. دانشمند در علم رجال است و برای او کتاب‌هایی است که در فهرست آمده است. همچنین شیخ الطائفة است و شیخ، آن‌ها را از خود او شنیده است و از او اجازه تمام آن روایات را دارد.

محقق طباطبایی در شرح بر الفهرست شیخ طوسی، ابن غضائری را چنین توصیف می‌کند: وصفوه بالجلالة والعلم والفضل والتقوى والتقدم على الجميع، أقدمهم تلميذاه الطوسي والنجاشي (طوسی، ۱۴۲۰: ۵۲).

او را جزء شیخ جلیل و عالم و فاضل و پرهیزگار و مقدم بر همه علما و محدثان بیان می‌کند و از برجسته‌ترین شاگردانش شیخ طوسی و نجاشی است.

نجاشی (م ۳۷۲ق) کتاب‌های زیادی برای حسین ابن عبیدالله غضائری نام می‌برد: قال النجاشي: عبید الله الغضائري شيخنا له كتب، منها: كتاب كشف التمويه والغمة، الرد على الغلاة و المفوضة، و... أجازنا جميعها وجميع رواياته عن شيوخه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۹).

نجاشی در مورد استادش چنین می‌فرماید: «برای او کتاب‌های بسیاری بود از جمله: كشف التمويه والغمة، تذكرة العاقل و تنبيه الغافل، الرد على الغلات و المفوضة و... من از همه این کتب و تمام روایاتی که از او نقل شده است، اجازه روایت دارم. اشکال: برخی اشکال می‌کنند که ابن غضائری از غلات بوده است.

سؤال: آیا شخصی که در رد بر غلات و مفوضه کتاب می‌نویسد، ممکن است خودش غلات باشد؟ معلوم است این‌ها را یا نسبت داده‌اند یا شیخ در زمانی می‌زیسته که هرگونه صفت عصمت و علم لدنی را برای ائمه نسبت دادن، جزء غلات محسوب می‌شد. مرحوم مامقانی می‌فرماید: شیخ طائفة بودن، شیخ الاجازة بودن و کثیر الرواية و مقبول بودن روایات او، نشان از وثاقت او دارد (مامقانی، ۱۴۳۱: ۲۱۶/۲۲ - ۲۱۸). اگر وثاقت او در کتب نیامده است، به این دلیل است که عادت مصنفان بر این بوده است که شیوخ را توثیق نمی‌کرده‌اند؛ زیرا وثاقت دون شأن آن‌هاست (همان).

### ۳-۲-۲- شیبانی

معروف به «محمد بن عبدالله بن محمد بن عبيدالله بن البهلول بن المطلب الشيباني» (م ۳۸۷ ق) است.

روایت مذکور از امالی شیخ طوسی، هر چند مستند است ولی در سلسله راویان، شخصی به نام ابوالفضل شیبانی وجود دارد که جمعی از دانشمندان علم رجال به خصوص ابن غضائری و خطیب بغدادی<sup>۱</sup> (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۸ - ۹۹؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۹۰/۹) او را تضعیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶؛ تفرشی، ۱۳۷۷: ۲۵۳/۴). نجاشی در کتاب رجال خود درباره فضل شیبانی می‌آورد:

ابن عبيد الله بن شيبان، أبو المفضل، كان سافراً في طلب الحديث عمره، أصله كوفي، و كان في أول أمره ثباتاً ثم خلط، ورأيت جل أصحابنا يغمزونه ويضعفونه. له كتب كثيرة، منها: كتاب مزار الحسين (عليه السلام) ... رأيت هذا الشيخ وسمعت منه كثيراً ثم توقفت عن الرواية عنه إلا بواسطة بيني وبينه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۶؛ تفرشی، ۱۳۷۷: ۲۵۳/۴، شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۸۷/۹).

او دائم دنبال جمع‌آوری احادیث بود؛ لذا همیشه در حال سفر بود. اصالت او کوفی است و در اول عمرش صاحب دقت در نقل روایات بوده، هر چند که در آخر عمرش به ضعف حافظه، مبتلا شده بود. بیشتر اصحاب ما او را تضعیف کرده‌اند. برای او کتب کثیره بوده است. من (نجاشی) او را درک کرده‌ام و روایات بسیاری از او شنیده‌ام.

و مراد النجاشی من قوله: «و سمعت منه كثيراً ثم توقفت عن الرواية عنه إلا بواسطة بيني وبينه» أنه أدرك عصر تخلیطه فلم يرو عنه بلا واسطة، بل روى عن مشائخ أدركوا عصر ثبته، فرووا عنه فروى عنهم عنه (شوشتری، ۱۴۱۰: ۳۸۷/۹).

منظور نجاشی از این عبارت، این است که او زمان خلط شیبانی را درک نموده است؛ لذا از او روایت بدون واسطه، نقل نمی‌کند؛ بلکه از مشایخی که در دوران ثبت او روایت شنیده‌اند، نقل می‌نماید. آقای خویی و مرحوم تستری، عبارت بالا را به خوبی توضیح می‌دهند:

أقول: يرید النجاشی بما ذكره من توقفه عن الرواية عنه إلا بواسطة بيني وبينه، أنه لا

۱. ابن غضائری با الفاظ تندی از وی یاد می‌کند. گفته است که او وضاع (کذاب) و کثیر المناکیر است (مطالب منکر را ذکر می‌کند)، در حالی که اصلاً انتساب این کتاب به ایشان، معلوم نیست و اعتبار و ارزشی به حرف خطیب بغدادی ناصبی نیست.

یروی عنه طریقہ الی کتاب بمثل حدثنی أو أخبرنی، واما النقل عنه بمثل قال فقد وقع منه (خویی، ۱۴۱۳: ۱۷/۲۶۱؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ۹/۳۸۷).

شخص نجاشی اولاً هم عصر مفضل شیبانی بوده در ثانی، شخص نجاشی به صورت مستقیم و بدون واسطه از خود او به صورت «حدثنی» و «اخبارنی» نقل حدیث می کرده است؛ ولی بعداً جناب نجاشی به خاطر ضعف حافظه مفضل شیبانی، از نقل مستقیم (حدثنی و اخبارنی) خودداری می کند و به صورت «قال» از ایشان نقل حدیث می کند. «قال» اعم از نقل مستقیم و غیرمستقیم است و با واسطه راوی ها از ایشان (یعنی مشایخی که در دوران ثبت او، روایت شنیده اند) نقل می نماید.

سیدابن طاووس (م ۶۶۴ق) و صاحب کفایة الاثر<sup>۱</sup> شیخ طوسی و نجاشی از ایشان نقل روایت کرده و ترجم می کنند. شیخ طوسی درباره اش می گوید:

...کثیر الروایة، حسن الحفظ، غیر أنه ضعفه جماعة من أصحابنا، له کتاب الولادات الطیبة... أخبرنا بجميع روایاته عنه جماعة من أصحابنا (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۱ - ۴۰۲).

کثیر الروایه و حافظه خوبی داشته است جز این که در اواخر عمر به ضعف در حافظه دچار می شود. شیخ طوسی هم جایگاه علمی او را می ستاید و از ایشان به واسطه «جماعة» روایات بسیاری نقل می کند.

مرحوم تستری می فرماید: با توجه به این که شیخ جلیل القدر «الطوسی» را از ابی مفضل شیبانی نقل می کند، دو وجوه زیر قابل طرح است:

الف: شیخ طوسی احادیث را در زمان قوت حافظه و ثبت از او نقل کرده است؛ ب: یا از مشایخی که در دوران ثبت او، روایت شنیده اند نقل کرده است (به دلیل ضعف در حافظه در اواخر عمرش شیخ از نقل مستقیم خودداری می کند) و چون با لفظ «جماعة» نقل می کند، از این پنج نفر نقل می کند که احتمال دوم، قوی تر است (شوشتری، ۱۴۱۰: ۹/۳۹۰).

### ۳ - ۳ - حدیث سوم

شیخ طوسی، روایت «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِهَا» را از «جماعة» نقل می کند و جماعة از ابی مفضل نقل روایت می کند:

۱. معروف به علی بن محمد بن الخزاز است.

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ جَعْفَرٍ  
الْعَلَوِيُّ الْحَسَنِيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ:  
حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ،  
عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَإِنَّ  
اللَّهَ تعالى بَعَثَنِي بِهَا (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۸).

در طریق این حدیث اگرچه «جماعة» هست، ولی در بحث قبلی بیان شد جماعتی که شیخ  
طوسی به واسطه آن‌ها از ابی‌مفضل نقل می‌کند معتبرند.

وَرَامَ بْنِ أَبِي فَرَّاسٍ (م ۶۰۵ ق) از پیامبر در مجموعه ورام (۱۴۱۰: ۱۷۵/۲)، شیخ حرّ  
عاملی (م ۱۱۰۴ ق) در وسائل الشیعة (۱۴۰۹: ۱۱۷۴/۱۲)، علامه مجلسی در بحار الأنوار  
(۱۴۰۳: ۳۷۵/۶۶ و ۴۲۰/۶۸) و محدث نوری در مستدرک الوسائل (۱۴۰۸: ۱۹۱/۱۱) به  
نقل از امالی شیخ طوسی روایت یادشده را نقل می‌کنند. این شکل از روایت با روایت متواتره، از  
حیث مضمون و محتوا یکسان است.

### ۳ - ۴ - حدیث چهارم

اولین مصدر از روایت «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» از کتاب فقه الرضا است. این کتاب چه منسوب به  
امام رضا عليه السلام باشد و چه (بنابر قولی) منسوب به علی بن بابویه (م ۳۲۹ ق)، یا محمد بن علی  
شلمغانی (م ۳۲۳ ق)، متصل به عصر ائمه اطهار عليهم السلام است و این حدیث را از پیامبر نقل می‌کند:  
و نروی عن النبی صلى الله عليه وآله انه قال: «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» (منسوب به علی بن موسی، ۱۴۰۶:  
۳۵۳) همچنین علامه مجلسی (۱۴۰۳: ۳۹۴/۶۶) و محدث نوری (۱۴۰۸: ۱۹۱/۱۱) این  
حدیث را از فقه‌الرضا نقل می‌کنند.

به هرحال احادیث این کتاب بین اکثر علماء از اعتبار خاصی برخوردار بوده است و  
دانشمندانی مثل شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، ابن ادریس حلی و شهید اول، شهید  
ثانی، ابن ابی‌جمهور، علامه مجلسی و تا علمای متأخر از این کتاب روایت نقل کرده‌اند (ر.ک:  
استادی، ۱۳۹۳: ۲۵ - ۴۴؛ همو، ۱۴۰۴: ۸ - ۱۱).

بر فرض این‌که نوشته یکی از اصحاب خاص ائمه عليهم السلام باشد، باز این روایت مرسل می‌شود؛  
ولی با شهرت و نقل روایت علمای متقدم و متأخر احادیث این کتاب دارای اعتبار خاصی می‌شود  
(همان، ۱۳۹۳: ۲۵ - ۴۴).

این حدیث هم از حیث حصر و محتوا با روایت قبلی یکسان است؛ می‌توان گفت که لذا این روایت با حدیث متواتره، از حیث مضمون و محتوا یکسان است.

نکته: در رابطه با کتاب فقه‌الرضا که «آیا منسوب به امام رضا است یا نه؟»، در فرض عدم انتساب، مرحوم سید حسن صدر در رساله «فصل القضا فی الکتاب المشتبه بفقه الرضا» در اثبات این که این کتاب همان کتاب التکلیف<sup>۱</sup> شلمغانی<sup>۲</sup> است می‌نویسد: شیخ مفید در برخی تألیفاتش و شیخ طوسی در کتاب الغیبه و الفهرست و علامه حلی در کتاب خلاصة الأقوال و ابن ادریس در سرائر و شهید اول در لمعه و شهید ثانی در شرح لمعه همگی گفته‌اند: محمد بن علی شلمغانی کتابی به نام التکلیف دارد و مطالب آن کتاب را مشایخ ما از او روایت می‌کنند به استثنای یک روایت<sup>۳</sup> که از منفردات و مختصات این کتاب است (همان، ۱۳۹۳: ۲۵ - ۴۴؛ همو، ۱۴۰۴: ۱۱). سپس مرحوم صدر اضافه می‌کند که عین این روایت که از مختصات کتاب التکلیف دانسته شده و نیز در کتاب عوالی اللثالی ابن ابی جمهور احسائی، بی‌واسطه از کتاب التکلیف نقل شده، در کتاب فقه‌الرضا موجود است و این دلیلی قاطع بر اتحاد کتاب فقه‌الرضا و التکلیف شلمغانی است (همان).

### ۳ - ۵ - حدیث پنجم و ششم

حدیث پنجم را شیخ طوسی در امالی بیان می‌کند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيُّهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي

۱. خانه‌های شیعیان مملو از کتاب‌های شلمغانی و بیش از همه کتاب التکلیف شده بود. بعد از انحراف شلمغانی، شیعیان انحراف فکری او را با «حسین ابن روح، از نواب اربعه» در میان گذاشته و از او در مورد کتاب‌های شلمغانی و درجه اعتبار آنها سؤال کردند. ابن روح در پاسخ به این سؤال گفته بود: «همان پاسخی را که امام عسکری ع در مورد کتاب‌های بنی فضال (واقفی) داد: «خذوا ما رووا وذرّوا ما رووا»؛ آنچه از ائمه ع روایت کرده‌اند بپذیرید و آنچه رأی و نظر خودشان بوده رها کنید» (خویی، ۱۴۱۳: ۵۱/۱۸؛ غروی، ۱۳۸۶: ۳۲۱).

۲. وی یکی از دانشمندان شیعه امامیه بوده و مدّتی، بسمت نمایندگی حسین بن روح را داشته و توقیعات حضرت، توسط حسین بن روح به دست شلمغانی و به وسیله او به دست مردم می‌رسیده است؛ لکن سرانجام در دهه پایان زندگی خود گرفتار انحراف شد؛ ولی کتاب التکلیف در دوران استقامتش نگاشته شده بود. حتی حسین بن روح محتوای کتاب را جز در یک مورد تأیید کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۱۳ - ۴۱۴؛ حلی، ۱۳۸۱: ۳۹۰-۳۹۱).

۳. اگر کسی برای اثبات مدعی خود نزد حاکم شرع، بیش از یک شاهد ثقه نداشت، برادر ایمانی او می‌تواند بدون آگاهی و علم، به استناد قول مدعی یا به استناد شهادت آن ثقه، به نفع او شهادت دهد تا شهادت عدلین محقق شود و حق او از بین نرود (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۱۳ - ۴۱۴؛ حلی، ۱۳۸۱: ۳۹۰ - ۳۹۱).

عَبْدُ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ  
الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ تعالى يَجْهِّهَا...  
(طوسی، ۱۴۱۴: ۳۵۹).

شیخ حرّ عاملی این روایت را از امالی شیخ طوسی نقل می کند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۰/۱۵) و علامه مجلسی حدیث پنجم و هم این حدیث ششم را «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا رِفْعَةٌ وَإِيَّاكَ» از امالی شیخ طوسی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۷/۸۹ و ۵۳/۷۵) نقل می کنند. سند این حدیث دارای اعتبار خاصی بین اصحاب است؛ ولی برخی به دو نفر از اسناد این حدیث خدشه کرده اند که باید اشاره کنیم آن ها هم معتبر هستند.

نجاشی در مورد محمد بن علی ماجیلویه می گوید: محمد بن ابی القاسم عبیدالله بن عمران الجنابی البرقی أبو عبد الله، ملقب به ماجیلویه، بزرگ اصحاب قم، ثقة و عالم و فقیه و عارف بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳؛ حسینی حلی، ۱۴۲۸: ۲۳۹).

همچنین مفضل بن عمر، گرچه در نزد بعض اصحاب ضعیف است، ولی تحقیق نشان می دهد که باید وی را ثقة دانست. تقی الدین حلی درباره مفضل می گوید: «آته رجع خطایاً بعد استقامته و حمل ما ورد فی مدحه علی حال استقامته» (حلی، ۱۳۴۲: ۵۱۹)؛ احادیثی که در مدحش داریم در زمان استقامتش است و احادیثی که بر ذمش داریم در دوران ضلالتش - بر مذهب خطایه بود - است. شیخ طوسی این روایت را در دوران هدایت از او نقل کرده است. مرحوم مامقانی در تنقیح المقال می نویسد: «مفضل بن عمر الجعفی؛ من أصحاب الصادق والكاظم عليه السلام، ثقة (مامقانی، ۱۴۳۱: ۶۹/۱۴)؛ از اصحاب امام صادق و کاظم عليه السلام بوده و شخص ثقة است.

بقیه روایات هم اختلافی در ثقة بودنشان نیست؛ بنابراین همه روایات، امامی ثقة هستند و حدیث مسند است و از اعتبار خاصی بین اصحاب برخوردار است.

#### ۴ - بررسی مصادر اهل سنت

رجال اهل سنت، این حدیث را با دو تعبیر «مکارم الأخلاق» و «صالح (ی) الأخلاق» با کثرت و به طرق متعدد مسنداً<sup>۱</sup> و مرسل<sup>۲</sup> نقل کرده و آن را صحیح دانسته اند. طبرانی (م ۳۶۰ ق) و هیثمی (م ۸۰۷ ق) هر

۱. مسند نقل روایت همراه با ذکر سند آن، یعنی نام راویانی است که آن روایت را نسل در نسل نقل کرده اند (مامقانی، ۱۳۶۹: ۳۶).

۲. مرسل نقل روایت بدون ذکر سند آن، یعنی بدون ذکر نام راویانی است که آن روایت را نقل کرده اند. (مامقانی، ۱۳۶۹: ۶۰).

دو این روایت را از جابر بن عبدالله انصاری با سندی معتبر از نظر شیعه، نقل روایت می‌کند:

حدثنا محمد بن الخرز بن عمرو: ثنا صالح بن بشر الطبرانی: ثنا عمر بن إبراهيم القرشي: نا يوسف بن محمد بن المنكدر، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله، قال: قال رسول الله ﷺ: «إن الله بعثني بتمام مكارم الأخلاق وكمال محاسن الأفعال» (طبرانی، ۱۴۳۳: ۵/۱۵۳؛ هیثمی، ۱۴۱۹: ۱۱۱/۳ - ۱۱۲؛ هیثمی، بی‌تا: ۳۴۳/۸).

جابر بن عبدالله از اصحاب سرّ رسول گرامی اسلام و امام علی و حسن و حسین و سجاد و محمد باقر (علیهم‌السلام) بوده است. علما درباره جابر معتقدند که نیازی به توثیق ایشان نیست (حلی، ۱۴۰۲: ۳۴؛ حسینی حلی، ۱۴۲۸: ۸۳؛ مظاهری، ۱۴۲۸: ۸۵).

برخی راجع به محمد بن منکدر می‌گویند: وی نسبت به اهل بیت میل و محبت شدید داشته است و برخی او را جزء اصحاب امام صادق (علیه‌السلام) می‌دانند (تفرشی، ۱۳۷۷: ۴/۳۳۱؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۴۴/۹).

ابن ابی شیبّه (م ۲۳۵ق) این حدیث را با تعبیری متفاوت از زید بن اسلم روایت می‌کند:

حدثنا معاوية بن هشام عن هشام بن سعد عن زيد بن اسلم قال: قال رسول الله ﷺ: «أَتَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ» (ابن ابی شیبّه، ۲۰۰۸: ۷/۴۴۰).

نوع رجال معتبر شیعه درباره زید بن اسلم می‌آورند که از اصحاب امام صادق و امام سجاد (علیهم‌السلام) بوده است و نسبت به اهل بیت، مودّت و محبت داشته است (حلی، ۱۴۰۲: ۲۲۲؛ مامقانی، ۱۴۳۱: ۱۲۰/۲۹).

ابن عبدالبر قرطبی (م ۴۶۳ق) این روایت را با سه تعبیر گوناگون و با سه سند متفاوت از ابراهیم و مالک و ابی هریره در دو کتاب الاستذکار و التمهید می‌آورد:

قال أحمد بن حنبل سمعت المعافى بن عمران يقول سمعت سفیان الثوری يقول سمعت منصوراً يقول سمعت إبراهيم يقول و ذكر عنده البخيل فقال قال رسول الله ﷺ: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (القرطبی، ۱۳۸۷: ۱۶/۲۵۴؛ همو، ۲۰۰۰: ۸/۵۷۶؛ همو، ۲۰۱۰: ۸/۲۸۰).

ابن مسعود بَعَوی (م ۵۱۶ق) با دو سند معتبر به جابر بن عبدالله، این حدیث مشهور را روایت می‌کند:

حدثنا أبو الفضل زياد بن محمد الحنفی، نا أبو سعد عبد الملك بن ابی عثمان، نا عمار بن محمد البغدادی، نا احمد بن محمد بن سعيد الحافظ، نا محمد بن اسماعيل، نا

عمر بن ابراهیم یعنی الکوفی، نا یوسف بن محمد بن المنکدر، عن ابیه، عن جابر قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي لِمَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، وَتَمَامِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ».

أَخْبَرَنَا أَبُو مَنْصُورٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ الْمُظَفَّرِيُّ، أَنَا أَبُو سَعِيدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْفَضْلِ، أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّفَّارُ، نَا يَعْقُوبُ بْنُ أَبِي يَعْقُوبَ، نَا دَاهِرُ بْنُ نُوحٍ، نَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، نَا يَوْسُفُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْمُنْكَدَرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِتَمَامِ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَكَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ (البغوى، ۲۰۰۵: ۴۱۱/۷ - ۴۱۲).

ابو عبدالله قرطبی (م ۶۷۱ق) هم از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

وقال جعفر الصادق: أمر الله نبيه بمكارم الأخلاق في هذه الآية، وليس في القرآن آية أجمع لمكارم الأخلاق من هذه الآية. وقال ﷺ: بعثت لأتمم مكارم الأخلاق» (القرطبي، ۱۴۰۵: ۳۴۵/۷).

قضاعی (م ۴۵۴ق) این روایت مشهوره را در مسند شهاب از مالک بن انس از پیامبر نقل می کند:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْأَعْرَابِيِّ ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا الْغَلَابِيُّ ثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ الضَّبِّيُّ أَبُو الْوَلِيدِ ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُثَنَّى الْأَنْصَارِيُّ عَنْ عَمِّهِ ثَمَامَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَنْسٍ عَنْ أَنْسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «... إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (القضاعی، ۱۴۰۵: ۱۹۲/۲).

متقی هندی (م ۹۷۵ق) هم همین روایت را در کنز العمال با دو راوی متفاوت از ابن سعد از مالک ابن مالک: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ حُسْنَ الْأَخْلَاقِ» و أبي هريره: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» نقل می کند (هندی البرهان، ۱۴۰۹: ۱۶/۳).

بيهقي (م ۴۵۸ق) در سنن کبری - که از صحاح سته است - این روایت را مسنداً از ابی هريره، از رسول خدا ﷺ روایت کرده است.

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ يَوْسُفَ الْأَصْبَهَانِيُّ وَ.. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» كَذَا رَوَى عَنْ الدَّرَاوَزْدِيِّ (بيهقي، ۱۴۲۴: ۳۲۳/۱۰).

بخاری (م ۲۵۶ق) در ادب المفرد و حاکم (م ۴۰۵ق) در المستدرک مع التلخیص و احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) در مسند ابن حنبل این روایت را با تعبیر صالحی الأخلاق» روایت می کنند:

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ وَ... عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحِي الْأَخْلَاقِ».

محمد ناصر الدین البانی (م ۱۴۲۰ ق) در کتاب سلسله الاحادیث الصحیحة تکلیف بیشتر احادیث منقول را مشخص می‌کند و در صحت و ثبوت سند حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ (و فی رویه «صالح») (الأخلاق) چنین می‌آورد:

آنچه بخاری در: «الأدب المفرد (ص ۴۲) و ابن سعد در الطبقات (۱/۱۹۲) و حاکم در المستدرک علی الصحیحین (۲/۶۱۳) و احمد (۲/۳۱۸) و ابن عساکر در تاریخ دمشق (۶/۱۲۶۷) از طریق ابن عجلان از قعقاع بن حکیم از ابی صالح از ابی هریره، به صورت مرفوع آورده، اسنادش حسن است. حاکم هم می‌گوید: این حدیث صحیح است بنابر شرط مسلم. ذهبی و ابن عجلان هم موافق این نظر هستند (البانی، ۱۴۰۵: ۷۵/۱).

مالک ابن انس (م ۱۷۹ ق) این حدیث را هم از ابی هریره و هم از دیگران با نقلی متفاوت روایت می‌کند:

حدثني عن مَالِكٍ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ حُسْنَ الْأَخْلَاقِ» قَالَ ابن عبد البر: هو حديث مدني صحيح متصل من وجوه صحاح عن ابی هریره و غیره (انس، بی تا: ۴۷/۲).

این حدیث، متصل و صحیح است هم از ابی هریره و هم از غیر ابی هریره. نتیجه: قدیمی‌ترین نسخ روایی از اهل سنت، چندین روایت را با طُرُق مختلف، اول از صحابی بزرگ پیامبر ﷺ جناب جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کنند و سپس از امام صادق (ع) و زید بن اسلم و ابراهیم و مالک ابن انس و ابوهریره و غیره. در بیشتر کتب حدیثی، نقل از ابوهریره، متأخر از نقل‌هایی چون جابر بن عبدالله و زید بن اسلم آمده است. از این میان، حدیث جابر بن عبدالله انصاری به جهت امامی بودن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا متن معروف، با نقل‌های کثیر در کتب متعدد حدیثی با سندهای متفاوت، صحیح و ثابت و غیرقابل خدشه است.

## ۵ - اشکال

برخی سند حدیث متواتره «مکارم الأخلاق» را نزد شیعه، به ابوهریره ختم می‌کنند<sup>۱</sup> و مدعی هستند مرحوم طبرسی هم احتمالاً از اهل سنت (ابوهریره) اخذ کرده است؛ لذا معتقدند روایت،

۱. آقای علیرضا پناهیان در سخنرانی خود به ضعف سندی و دلایلی حدیث مکارم الأخلاق اشاره کرده و آن را از جعلیات ابوهریره می‌داند (پناهیان، ۱۳۹۵).

ضعیف و مرسل است (هادی، ۱۳۸۵: ۲۳۲؛ هدایتی، ۱۳۹۵: ۲۵۱؛ فنی اصل، ۱۳۹۷: ۱۲۶ - ۱۲۷).

جواب: در بررسی تفصیلی روایت «مکارم الأخلاق» در بحث‌های قبلی، تواتر معنوی یا لا اقل مستفیض بودن آن در نزد فریقین به اثبات رسید: ۱ - اولاً چنانچه قبلاً بیان شد تمامی روایت‌های مختلف در عبارت چه «إِنَّمَا، بَاء، لَام، تَمَام، کَمَال» بر حدیث مکارم الأخلاق «إِنَّمَا بَعَثَ لِتُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» دلالت می‌کنند؛ یعنی چه حدیث به صورت «بَعَثَ لِتُتَمِّمَ مَكَارِمَ» یا «بَعَثَ بِمَكَارِمَ» و یا «بَعَثَ لِتَمَامَ» ... بیاید بر همگی آن، حدیث مکارم الأخلاق، اطلاق می‌شود؛ چرا که از حیث محتوا و مضمون، کاربرد مشترکی دارند. ثانیاً شبهه‌کنندگان، ضعف یک روایت یا مرسل بودن آن را بر کل احادیث مکارم الأخلاق تسری داده‌اند و می‌گویند حدیث «إِنَّمَا بَعَثَ لِتُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» مرسل و ضعیف است. پس دیگر احادیث باب «بَعَثَ لِتُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» و «كَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ»، «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»، «فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِهَا» و ... هم مرسل و ضعیف است!

ولی پیش از این به اثبات رسید که کل روایات شیعه، چه مسند و چه مرسل از غیر ابوهریره است؛ زیرا در بررسی احادیث دو، سه، چهار، پنج و شش، یا شیخ طوسی احادیث دو، سه، پنج و شش را مسنداً از جماعت (از پنج طرق مختلف از ابو عبد الله غضائری، احمد ابن عبدون، ابوطالب ابن عرفة، ابوالحسن صفار و حسن ابن اسماعیل ابن‌اشناس که همگی معتبرند) از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند یا علما و اکابر روایت چهارم را از کتاب فقه‌الرضا (به هر حال متصل به عصر معصوم است؛ چه منسوب به امام رضا علیه السلام چه منسوب به علی بن بابویه و چه منسوب به شلمغانی باشد) از امام رضا علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند. در این میان، حدیث اول از بزرگانی مثل کراجکی در کتاب الرسالة العلویة فی فضل امیرالمؤمنین، طبرسی در تفسیر مجمع البیان و فرزند طبرسی در کتاب مکارم الأخلاق مرسلان نقل شده است و اکثر قریب به اتفاق علما و محدثان از مرحوم طبرسی نقل روایت کرده‌اند ولی شهرت و معروف بودن آن بین علمای متقدم و متأخر جبران‌کننده مرسل و ضعیف بودن آن است.

۲ - در نزد خاصه هیچ روایتی از ابوهریره نداریم و بیشتر روایات از شیخ طوسی مسنداً با سند معتبر از پیامبر ﷺ نقل شده است. بنابراین وقتی اکثر احادیث شیعه در این باب سند معتبر دارند، حدیث اول (مرسل) را جبران می‌کند. شبهه‌افکنان، یک روایت مرسل را به همه روایات دیگر سرایت دادند و گفتند

همگی ضعیف است و در این جا ثابت شد که اکثر احادیث باب، دارای اعتبار خاصی هستند؛ بنابراین سند قطعی و قوی حدیث، به روایت اول (مرسل) تسری داده می‌شود.

۳ - اشکال کردند مرحوم طبرسی احتمالاً از ابوهریره اخذ کرده است، در جواب گفته می‌شود قبلاً به اثبات رسید که بیشتر احادیث مکارم الأخلاق نزد اهل تسنن از جابر بن عبدالله انصاری، امام صادق علیه السلام، زید بن اسلم، ابراهیم، مالک بن انس و... است، پس چرا احتمال مذکور به جابر بن عبدالله و زید بن اسلم داده نمی‌شود؟!

۴ - علمای متقدم وقتی روایت را از عامه یا از رجال غیر امامی نقل می‌کردند، ترجیح می‌دادند روایت را مرسل نقل کنند تا با متن و تواتر و دیگر قرائن تصحیح شود؛ ولی طریق سنی در کتاب‌هایشان نیاورند.

۵ - احتمالاً نزد کراچکی و شیخ طبرسی‌ها کتاب و دلیل معتبر در نکت «دست بوده و ما از آن بی‌اطلاع هستیم. یا چون این حدیث متواتراً به صورت مستفیض و مسنداً در کتب اهل سنت ذکر شده، به نقل از آن اعتماد کرده‌اند. همچنین شیخ طوسی مقدم از شیخ طبرسی است و مضمون و محتوای این حدیث قبل از ایشان در بین شیعه، مشهور و معروف بوده است؛ لذا ضعف مرسل بودن نقل طبرسی جبران می‌شود.

۶ - در باب روایات اخلاقی، انگیزه برای جعل وجود نداشته است یا به خاطر اخلاقی بودن، سند حدیث را ذکر نمی‌کردند؛ چنان‌چه شیوه مرحوم طبرسی در باب روایات اخلاقی مرسل نقل کردن بوده است.

۷ - تواتر معنوی حدیث، از عامه و خاصه و تأکید و تأیید محتوای قرآنی مبنی بر خلق عظیم و دست‌نیافتنی پیامبر صلی الله علیه و آله و اسوه بودن ایشان و همچنین سیره اخلاقی ایشان ضعف حدیث را محال و غیر قابل باور می‌کند.

## ۶ - نتیجه‌گیری

- روایت مورد مناقشه «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» بین قدما و کتب شیعی، تلقی به قبول شده است؛ به همین خاطر محدثان و مفسران با کثرت از این حدیث نقل کرده‌اند.

- شیخ طوسی روایت مکارم الأخلاق را با چهار عبارت متفاوت (ولی با مضمون واحد) و با سه سند متفاوت از شش طُرُق مختلف (عبارت جماعت حاکی از پنج نفر است) - که همگی از مشایخ مشهور و معتبر هستند - نقل می‌کند.

- اهل سنت حدیث مکارم الأخلاق، با چند سند متفاوت علی الخصوص از جابر بن عبدالله انصاری و امام صادق علیه السلام و زید بن اسلم و ابراهیم و مالک روایت می کنند که یا از اصحاب بزرگ پیامبر یا از محبان و یا از شاگردان ائمه اطهار علیهم السلام بوده اند.

- کثرت نقل حدیث «مکارم الأخلاق» که بیش از دویست بار، با نقل ها و تعبیر و اسناد متفاوت در کتب متعدد در کنار احادیث همانند (چه از عامه و از خاصه)، نشان از تواتر معنوی یا لاقول استفاضه و اعتنا و قبول حدیث در بین قریب به اتفاق علمای معاصر شده است



## کتابنامه

### قرآن کریم

۱. ابن ابی شیبہ، عبد اللہ محمّد، (۲۰۰۸م)، المصنف فی الأحادیث و الآثار، تحقیق: محمّد اللّحام، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن دمامی، محمّد بن ابی بکر، (بی تا)، شرح الدمامینی علی مغنی اللیب (۲ج)، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۳. ابن شجرى، هبة الله بن على بن محمّد، (۱۴۳۵ق)، امالی ابن شجرى، تحقیق: محمّد الطناحی، مصر: مكتبة خانجی.
۴. ابن شهر آشوب، محمّد بن على، (۱۳۸۰ش)، معالم العلماء (تتمة الفهرست شيخ الطوسى)، نجف: الحيدرية.
۵. ابن عربی، محمّد بن على، (۱۴۲۲ق)، تفسير ابن عربی (۲ج)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶. ابن غضائری، احمد بن حسين، (۱۴۲۲ق)، الرجال، قم: دار الحديث.
۷. ابن جزى، محمّد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، التسهيل لعلوم التنزيل (۲ج)، بیروت: دارالأرقم بن أبى الأرقم.
۸. استادی، رضا، (۱۳۹۳ش)، «كاوشی در كتاب التکلیف شلمغانی بررسی جایگاه و سیر تاریخی آن»، فصلنامه شیعه پژوهی، ش ۱، صص ۲۵ - ۴۴.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق)، فقه الرضا، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع) و آستان قدس رضوی.
۱۰. آلوسی، محمود بن عبد الله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن (۱۶ج)، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۱. آملی، حیدر بن على، (۱۴۲۲ق)، تفسیرالمحیط الأعظم و البحر، (۷ج)، قم: نور علی نور، چاپ سوم.
۱۲. ابن انس، مالک، (بی تا)، الموطأ، تصحیح: محمّد فواد عبد الباقي، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۳. البانی، محمّد ناصر، (۱۴۰۵ق)، سلسلة الأحادیث الصحيحة، بیروت: نشر المكتب الاسلامی، چاپ چهارم.



۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا)، ادب المفرد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۵. البَغَوِی، محمد حسین، (۱۴۲۰ ق)، تفسیر البغوی (۵ ج)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۵ م)، شرح السنة، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر.
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۲۴ ق)، سنن البیهقی (سنن کبری)، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ سوم.
۱۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
۱۹. پناهیان، علیرضا، (۱۳۹۵/۰۹/۲۶ ش)، «در اجتماع بزرگ مصالای تهران برای بزرگداشت شخصیت رسول خدا ﷺ»، بازایی شده از: <http://panahian.ir/post/3480>
۲۰. تفرشی، مصطفی بن حسین، (۱۳۷۷ ش)، نقد الرجال (۵ ج)، قم: آل البيت لإحياء التراث.
۲۱. تقی الدین حلی، حسن بن علی، (۱۳۴۲ ش)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة (۳۰ ج)، قم: آل البيت.
۲۳. حسینی حلی، حسین بن کمال الدین ابرز، (۱۴۲۸ ق)، زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال، قم: دار الحديث.
۲۴. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، (بی تا)، تفسیر روح البیان (۱۰ ج)، بیروت: دار الفکر.
۲۵. حکیم، محمدباقر، (۱۳۷۴ ش)، القصص القرآنی، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، چاپ دوم.
۲۶. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۱ ش)، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۲ ق)، رجال العلامة الحلی، قم: الشریف الرضی، چاپ دوم.
۲۸. ابن حنبل، احمد، (بی تا)، مسند ابن حنبل، بیروت: دارصادر.
۲۹. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۳۰. خطیب شربینی، محمد بن احمد، (۱۴۲۵ ق)، تفسیر الخطیب الشربینی (۴ ج)، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۱. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة (۲۴ ج)،

بی‌جا: بی‌نا، چاپ پنجم.

۳۲. رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (۲۰ج)، مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۳. ربانی، محمدحسن، (۱۳۸۰ق)، دانش درایة الحدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۳۴. ———، (۱۳۸۵ش)، سبک شناسی دانش رجال الحدیث، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.

۳۵. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۷ش)، حدیث شناسی (ترجمه اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية)، مترجم: محسن احمدوند، قم: صحیفه خرد.

۳۶. ———، (۱۴۲۶ق)، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، قم: نشر اسلامی.

۳۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ق)، الإیتقان فی علوم القرآن (۲ج)، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم.

۳۸. شهید ثانی، زین الدین، (۱۴۰۸ق)، الرعاية فی علم الدراية، قم: مکتبه مرعشی.

۳۹. شوشتری، محمدتقی، (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال (۱۲ج)، قم: اسلامی، چاپ دوم.

۴۰. شیخ بهایی، محمد، (۱۳۹۶ق)، الوجیزة فی علم الدراية، قم: منشورات المکتبة الاسلامیة الکبری.

۴۱. صفایی، غلامعلی، ترجمه و شرح مغنی الأذیب، قم: قدس، چاپ هشتم.

۴۲. طباطبایی تبریزی، محمدحسین (۱۳۷۸ش)، سنن النبی، تهران: اسلامی، چاپ هفتم.

۴۳. ———، (۱۳۹۰ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: الأعلمی، چاپ دوم.

۴۴. الطبرانی، ابوالقاسم، (۱۴۳۳ق)، المعجم الأوسط، تحقیق: اسماعیل الشافعی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم.

۴۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق)، المعجم الکبیر، تحقیق: عبد المجید السلفی، بیروت: التراث العربی، چاپ دوم.

۴۶. ———، (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر (الطبرانی) (۶ج)، اردن: دارالکتب الثقافی.

۴۷. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، (۱۳۴۴ش)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: الحیدریة، چاپ دوم.

۴۸. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، (۱۳۷۰ش)، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی،

- چاپ چهارم.
۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۵۰. —، (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع (۴ج)، قم: حوزه علمیه قم.
۵۱. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری) (۳۰ج)، بیروت: دارالمعرفة.
۵۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۳ش)، رجال الطوسی، قم: اسلامی، چاپ سوم.
۵۳. —، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دارالثقافة.
۵۴. —، (۱۴۲۰ق)، الفهرست شیخ طوسی، قم: مكتبة الطباطبائی.
۵۵. غفاری، علی اکبر، (۱۳۶۹ش)، دراسات فی علم الدراية (تلخیص مقباس الهمدآية علامه مامقانی)، تهران: صدوق.
۵۶. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۵۷. فنی اصل، عباس، (۱۳۹۷ش)، «رابطه دوسویه بعثت و مکارم اخلاقی»، پژوهنامه اخلاق، ش ۴۱، صص ۱۲۳ - ۱۴۲.
۵۸. القرطبی، ابن عبدالبر، (۱۳۸۷ق)، التمهید، تحقیق: مصطفی بن احمد العلوی و محمد عبدالکبیر البکری، المغرب: نشر وزارة الأوقاف.
۵۹. —، (۲۰۰۰م)، الاستذکار، تحقیق: سالم محمد عطا و محمد علی معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶۰. القرطبی، ابو عبدالله، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن (۲۰ج)، تهران: ناصر خسرو.
۶۱. —، (۱۴۰۵ق)، تفسیر الجامع لأحكام القرآن، بیروت: نشر التاريخ العربی، چاپ دوم.
۶۲. القضاء، محمد بن سلامة، (۱۴۰۵ق)، مسند الشهاب، تحقیق: عبد المجید السلفی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۶۳. قطب، سیّد، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن (۶ج)، بیروت: دارالشروق، چاپ سی و پنجم.

۶۴. کاشفی، حسین بن علی، (۱۳۷۹ش)، جواهرالتفسیر، تهران: میراث مکتوب.
۶۵. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۲۷ق)، الرسالة العلویة فی فضل أمير المؤمنين، قم: دلیل ما.
۶۶. کمره‌ای، محمدباقر، (۱۳۷۷ش)، الخصال صدوق (۲ج)، تهران: کتابچی.
۶۷. مامقانی، عبدالله، (۱۴۱۱ق)، مقباس الهدایه، قم: آل البيت لاحیاء التراث.
۶۸. —، (۱۴۳۱ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال (۳۶ج)، قم: آل البيت لاحیاء التراث.
۶۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (۱۱۱ج)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
۷۰. مجلسی اول، محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین (۱۴ج)، قم: بنیاد کوشانیور، چاپ دوم.
۷۱. محدث نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۲۹ق)، مستدرک الوسائل (۳۰ج)، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث.
۷۲. مرعی، حسین عبدالله، (۱۴۱۷ق)، منتهی المقال فی الدراية و الرجال، بیروت: العروة الوثقی.
۷۳. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲ش)، دایرة المعارف قرآن کریم (۱۰ج)، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
۷۴. مظاهری، حسین، (۱۴۲۸ق)، الثقات الأخیار من رواة الأخبار، قم: الزهراء الثقافية الدراسية.
۷۵. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف (۷ج)، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه (۲۸ج)، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۷۷. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا، مشهد: آل البيت.
۷۸. مؤدب، رضا، (۱۳۸۲ش)، علم الدراية التطبيقی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۷۹. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، کشف الأسرار و عدّة الأبرار (۱۰ج)، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
۸۰. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: الإسلامی، چاپ ششم.
۸۱. نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۱۴ق)، مستدرکات علم رجال الحديث (۸ج)، تهران: بی‌نا.
۸۲. هادی، اصغر، (۱۳۸۵ش)، «پژوهشی پیرامون روایت تتیم مکارم الأخلاق و روایات همانند»، مجله اخلاق، نشر تبلیغات اسلامی حوزه، ش ۵ و ۶، صص ۲۲۹ - ۲۵۳.

۸۳. هدايتى، محمد، (۱۳۹۵ش)، مناسبات فقه و اخلاق، تهران: نگاه معاصر.
۸۴. هندى البرهان، متقى حسام الدين، (۱۴۰۹ق)، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، بيروت: الرسالة.
۸۵. الهيثمى، نورالدين على، (۱۴۱۹ق)، مجمع البحرين فى زوائد المعجمين، تحقيق: اسماعيل شافعى، بيروت: دارالكتب العلمية.
۸۶. ———، (بى تا)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقيق: عبدالله محمد الدرويش، بيروت: دارالفكر.
۸۷. وزام، مسعود بن عيسى، (۱۴۱۰ق)، مجموعة وزام (۲ج)، قم: مكتبة فقيه.

